

کاربرد طرح سرمایه اجتماعی در ارتقای امنیت انسانی نقاط مرزی مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی

طاهره خرامان

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم گروه ارتباطات اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

چکیده

امروزه حفاظت و حراست از سرزمین برای تمامی جوامع یک ارزش محسوب می شود. ضمانت تحقق این امر بدون شک، مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل می باشد که این امر از طریق ارتقای امنیت انسانی در مناطق مرزی محقق می شود. امنیت و ثبات، بنیادی ترین نیاز هر جامعه و مهم ترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی به شمار می رود. استان خراسان جنوبی دارای مرزهای زیادی با همسایگان شرقی کشور می باشد. که نا امنی آنها نگرانی هایی را برای مرز نشینان و دولت مرکزی به وجود می آورد. در همین راستا اهمیت سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع، مسأله ایی است که در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. چرخش ساختار اجتماعی و تغییرات همه جانبه در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن، و مخاطرات ناشی از این تغییرات توجه به این مهم را جدی ساخته است. با اهمیت یافتن سرمایه اجتماعی در جامعه معاصر، به تدریج این مفهوم در نزد سیاستگذاران، برنامه ریزان و دولتمردان از جایگاه خاصی برخوردار شد تا جایی که اهمیت سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد اجتماعی در قانون برنامه توسعه اقتصادی- اجتماعی و مدیریت اجتماعی کشور، نیز مورد توجه قرار گرفت. این نوشتار با روش کتابخانه ای در پی تبیین طرح سرمایه اجتماعی در ارتقای امنیت انسانی مرزهای استان خراسان جنوبی است.

واژه های کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، امنیت انسانی، نقاط مرزی، مشارکت اجتماعی.

۱. مقدمه

امروزه مطالعات زیادی در مورد مرزهای جغرافیایی صورت گرفته است. مرزها در روی نقشه‌ها به صورت خطوطی ظاهر می‌شوند که قلمروی حاکمیت هر کشوری را نشان می‌دهد [۱]. مرز سیاسی به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند و یا دست کم آن را محدود می‌سازد [۲]. امنیت انسانی در مناطق مرزی برای تمامی جوامع امروزه یک ارزش محسوب می‌شود و ضمانت تحقق این امر بدون شک، مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل می‌باشد. به راستی چرا دولت‌ها باید به مسائل امنیت انسانی و به طور کلی راهبرد ها و برنامه‌های امنیتی مربوط به ارتقای آن در نقاط مرزی بپردازند؟ واژه سرمایه اجتماعی اکنون یک مفهوم آشنا در علوم اجتماعی است. طی یک دهه‌ی اخیر، مطالعات راهبردی به این موضوع پرداخته‌اند که یک جامعه برای تامین امنیت انسانی علاوه بر سرمایه فیزیکی (کارخانجات، زیرساخت‌ها و ...) و سرمایه انسانی (نیروی کار، تخصص‌ها، و دانش و توانایی آن)، به سرمایه اجتماعی نیز نیاز دارد. سرمایه‌ی اجتماعی فضایی را شکل می‌دهد که در آن، سرمایه‌های فیزیکی و انسانی به کار گرفته می‌شود. در این فضا روابط بین افراد در محله و شهر، محیط کار، روابط بین دولت-ملت و ... شکل می‌گیرد. بدون سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت برای رشد اقتصادی تحقق نمی‌یابد. زیرا نیاز به مشارکت مردم که به نوبه‌ی خود بر پایه اعتماد متقابل بین مردم و دولت استوار است، دارای اهمیت کلیدی است [۳].

سرمایه اجتماعی مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است و به طور خلاصه به معنای هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند و با شیوه‌هایی همچون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیر رسمی قابل اندازه‌گیری است. سرمایه اجتماعی مفهومی ترکیبی است که موجودی و میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه و در یک مقطع زمانی خاص تشریح می‌کند. رابطه متقابل، رفتار غیر خودخواهانه و اعتماد اجتماعی نمونه‌هایی از این هنجارها هستند. این شبکه‌ها ممکن است رسمی یا غیر رسمی باشند. از این منظر، سرمایه اجتماعی یکی از عناصر مهم قدرت «جامعه مدنی» یا ظرفیت جامعه برای تأمین امنیت انسانی از طریق فعالیت گروه‌های غیر رسمی، داوطلبانه، غیر دولتی (و غیر انتفاعی) است [۴].

سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (یعنی ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند) به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارند که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد و در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشمگیری برخوردار است، اجرایی شدن ثبات و امنیت آسان‌تر محقق می‌گردد [۳].

سرمایه اجتماعی، نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید؛ بلکه در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و توسعه پیدا می‌کند. سرمایه اجتماعی در حقیقت به آرمان‌های مشترک، وفاق و انسجام اجتماعی، اعتماد، صداقت و احترام متقابل افراد نسبت به همدیگر، رعایت ارزش‌ها و هنجارها و اصول اخلاقی و پرهیز از هرگونه تظاهر در رفتار اطلاق می‌گردد. سرمایه اجتماعی پدیده‌ای مدیریت پذیر است، به این معنا که می‌توان آن را بر اساس سیاست‌گذاری‌ها در حوزه‌های مشخصی از جامعه بازسازی یا به فرایند شکل‌گیری آن کمک نمود. این مهم در صورتی محقق می‌گردد که مدیران و سیاست‌گذاران اهمیت سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی-اجتماعی و مدیریت اجتماعی کشور پی برده باشند [۵].

وجود تهدیدات نظامی، رفت و آمد‌های غیر قانونی، حضور قاچاق چیان به دلیل قاچاق کالا، گروهک‌های مخالف دولت مرکزی، اشرا و مهم‌تر از همه توسعه نیافتگی فضاها و سکونت‌گاه‌های جغرافیایی، مرزهای کشور را به نقاط دارای خطر مبدل ساخته است. جلوگیری از این بحران‌ها، تمهیدات و مدیریت‌های خاصی را از طرف دولت مرکزی می‌طلبد. غفلت از مرزهای هر کشور می‌تواند در مرحله اول حفظ تمامیت ارضی و در مرحله بعدی شرایط روانی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مملکت را با چالش روبرو سازد [۳].

هدف اصلی از مقاله حاضر تبیین موردی طرح سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی به عنوان مهمترین بعد سرمایه اجتماعی در ارتقای امنیت انسانی نقاط مرزی استان خراسان جنوبی است. در این مقاله با روش کتابخانه ای می خواهیم به این سوال پاسخ بدهیم که عمده ترین عوامل مؤثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی به لحاظ نظری کدامند؟ سرمایه اجتماعی چه نقشی در برنامه ریزی توسعه اقتصادی-اجتماعی و ارتقای ثبات و امنیت انسانی نقاط مرزی دارد؟ از چه نظر عناصر اصلی تشکیل شده و مسیر تأثیر این عوامل بر مدیریت و کنترل نقاط مرزی چگونه می باشد؟

۲. چارچوب نظری تحقیق

۲-۱. نظریه سرمایه اجتماعی گوشال^۱ و ناهاپیت^۲

این دو صاحب نظر سرمایه اجتماعی را به سه بعد شناختی، رابطه ای و ساختاری تقسیم کرده اند و هر سه بعد را به اجزاء فرعی تری تفکیک نموده اند [۶]. جدول ۱- ابعاد سرمایه اجتماعی از نظر گوشال و ناهاپیت را نشان میدهد.

جدول ۱: ابعاد سرمایه اجتماعی از نظر گوشال و ناهاپیت

ابعاد سرمایه اجتماعی	معیار های اندازه گیری
بعد شناختی	<ul style="list-style-type: none"> وجود ارزش های مشترک شناخت و همکاری بر اساس حکایات (تبادل تجربه بر اساس حکایات)
بعد رابطه ای	<ul style="list-style-type: none"> روابط مبتنی بر صداقت و اعتماد متقابل همکاری به عنوان یک الزام تعهد به اهداف رجحان منافع سازمان عضو یک خانواده مشترک بودن
بعد ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> روابط شخصی گرم ارتباطات کاری زیاد ساختار ارتباطی تسهیل کننده

۲-۲. نظریه رابرت پوتنام: شبکه های مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی

پوتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجار ها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش های اعضاء جامعه موجود است. پوتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های مختلف می داند. پوتنام بیشتر به تأثیر سرمایه اجتماعی در سطح ملی علاقه مند است. این که سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر نهاد های دموکراتیک و در نهایت بر توسعه اقتصادی دارد [۴].

^۱ Ghoshal

^۲ Nahapiet

به اعتقاد پوتنام شبکه های مشارکت مدنی از شکل های اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می شود. شبکه های مشارکت یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی می باشند و هر چه این شبکه ها در جامعه ای متراکم تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است. شبکه های مشارکت مدنی، هزینه های بالقوه عهد شکنی را در هر معامله ای افزایش می دهند و فرصت طلبی منافی را که فرد انتظار دارد از دیگر معاملات همزمانش و معاملات آینده نصیبش شود به خطر می اندازد. شبکه های مشارکت مدنی در زبان تئوری بازی ها تکرار پیوند درونی بازی ها را افزایش می دهند. شبکه های مشارکت مدنی، هنجار های قوی معامله متقابل را تقویت می کنند. شبکه های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می بخشد. شبکه های مشارکت مدنی اجازه می دهند که حسن شهرت ها به دیگران انتقال یافته و پالایش شوند، شبکه های مشارکت مدنی تجسم موفقیت پیشینیان در همکاری هستند که می توانند به عنوان یک چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل نمایند [۷].

۲-۳. سرمایه اجتماعی از دیدگاه پی یر بورديو

پی یر بورديو سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز می کند و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملی قائل است. وی سرمایه اجتماعی را شبکه ی نسبتاً با دوامی از روابط کمابیش نهادینه شده ی توأم با شناخت و تهدات از جمله اعتماد متقابل می داند که به عنوان منابعی بالفعل و بالقوه، موجبات لازم را برای تحصیل کنش های فردی و یا جمعی کنشبران فراهم می سازد. بنابراین از نظر بورديو ایجاد و اثر بخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن مرز های گروه را از طریق مبادله اشیاء و نهاد ها بنیان نهاده اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک (خانواده، ملت انجمن، حزب، دین) و مجموعه ای کامل از کنش ها برای نهادینه کردن، نظیر مبادلات مادی و نمادی تضمین شود. بورديو سرمایه اجتماعی را انباشت منابع بالفعل و بالقوه ای می داند که حاصل وجود شبکه های نسبتاً پایدار از روابط کم و پیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می شود [۸].

۲-۴. نظریه اسکات^۳ در خصوص سرمایه اجتماعی

در این نظریه، سرمایه اجتماعی به دو سطح کلان و خرد تقسیم شده است؛ سطح کلان اشاره به محیطی دارد که جامعه در آن فعالیت دارد که شامل قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت و نظام سیاسی، میزان عدم تمرکز و میزان مشارکت سیاسیافراد در خط مشی های کلان است. سرمایه اجتماعی در سطح خرد به دو بعد شناختی و ساختاری تقسیم شده است. بعد شناختی به بخش نا محسوس سرمایه اجتماعی مانند ارزش ها، عقاید، نگرش ها و رفتار و هنجارهای اجتماعی می پردازد. این ارزش ها شرایطی را در جامعه به وجود می آورند که افراد با یکدیگر همکاری نمایند. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی در برگیرنده ساختار و شبکه هایی است که حاوی فرایندهای تصمیم گیری جمعی و رهبران پاسخگو می باشد [۹].

۲-۵. نظریه پیتر زتومکا^۴ درباره اعتماد اجتماعی

زتومکا با ارائه یک سنخ شناسی جامع از مفهوم اعتماد و تعریف آن به صورت دقیق، با نظریه ای تلفیقی به بحث عاملیت و ساختار پرداخته است و سعی نموده اعتماد را در سطوح مختلف مورد بررسی قرار دهد. زتومکا معتقد است که اعتماد بر روی سه پایه بنا می گردد که عبارت اند از قابلیت اعتماد، انگیزه اعتماد کردن و فرهنگ اعتماد. از طریق فرهنگ سازی اعتماد اجتماعی در میان اقشار آسیب پذیر جامعه، می توان جامعه را به سمت و سوی توسعه هدایت کرد و جلوی نا هنجاری های اجتماعی را گرفت. زتومکا پیدایش فرهنگ اعتماد را در طی فرآیندی به نام "شدن اجتماعی" مورد بحث قرار می دهد. فرایند

^۳ Scat

^۴ Piotr Sztompka

پیدایش فرهنگ اعتماد نمونه ای از فرآیند کلی تر است که از طریق آن فرهنگ ها، ساختارهای اجتماعی، نظام های هنجاری، نهاد ها، سازمان ها و موجودات اجتماعی کلان دیگر در حال شکل گیری هستند. شدن فرهنگ اعتماد به عنوان نمونه ای از فرهنگ های گسترده تر شدن اجتماعی مطرح می گردد. اگر شبکه روابط گروه ها، انجمن ها، نهاد ها، سازمان ها و رژیم ها با دوام پایدار و مستمر باشد، نقاط عطف روشنی در زندگی اجتماعی، احساس امنیت، حمایت و آرامش ایجاد می کند. به این ترتیب، به برآورده شدن تعهدات و پاسخ متقابل به اعتماد، وظیفه تلقی نمی شود، بلکه یک واکنش عادی و بدون مسئله است. بنابراین، اعتماد می تواند به آسانی عرضه شود و احتمال اینکه اعتماد مورد نظر متقابلاً پاسخ داده شود، بالا است [۱۰].

۲-۶. نظریه سرمایه اجتماعی فوکویاما^۵

نظریات فوکویاما نیز مانند پوتنام در سطح کلان مطرح شده است و سرمایه اجتماعی را در سطح کشور ها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی می بینید و بنابراین تعریف او از سرمایه اجتماعی یک تعریف جمعی بوده و سرمایه اجتماعی دارای گروه ها و جوامع تلقی می شود. به زعم وی، سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان مجموعه معینی از هنجار ها یا ارزش های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهمیم هستند. هنجار هایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند. فوکویاما مانند پاتنام هنجار های همیاری را شالوده سرمایه اجتماعی معرفی می نمایند و معتقد است که سرمایه اجتماعی وجود هنجار های رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می کند. [۱۱].

۲-۷. مدل نظری سرمایه اجتماعی

به طور کلی، مفهوم سرمایه اجتماعی در بردارنده ی مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است. به شیوه ای که گروه را به سمت و سوی دستیابی به یک هدفی که بر مبنای ارزش ها و معیار های رایج در جامعه که مثبت تلقی می شوند، هدایت کند. سرمایه اجتماعی در ۳ سطح کلان، میانه و خرد و نیز در روی پیوستاری با دو بعد سرمایه ی شناختی و سرمایه ی ساختاری مورد بحث قرار می گیرد. این سطوح و ابعاد در شکل ۱ ارائه شده است [۳].



شکل ۱- مدل نظری سرمایه اجتماعی

^۵ Fukuyama

در مدل فوق که توسط بانک جهانی ارائه شده است، سرمایه اجتماعی دارای سه سطح کلان، میانه و خرد است که بر روی یک پیوستار ساختاری و شناختی قرار گرفته است. به این معنا که هر یک از این سطوح دارای دو نوع ساختاری و شناختی هستند یا هر یک از دو نوع سرمایه شناختی و ساختاری در سه سطح کلان، میانه و خرد قابل بررسی هستند. مدل فوق هم چنین عناصر موجود در هر یک از سطوح و بعد پیوستاری را معرفی کرده است.

۲-۸. اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی؛ و امنیت انسانی

یکی از اساسی ترین مسائلی که جوامع امروزی با آن مواجهند اعتماد اجتماعی است؛ به طوری که بشر امروزی بدون اعتماد اجتماعی تا حد زیادی قادر به حیات اجتماعی نیست. بنابراین در بستر تعاملات و کنش های گروهی، اعتماد به منزله ی مکانیسمی اجتماعی با کارکرد های متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روان شناختی، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می کند. در واقع زندگی انسان، بدون احساس اعتماد اجتماعی تحمل نا پذیر خواهد بود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعداد ها و توانایی های او را تسهیل می کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه ای خلاق و شکوفا تبدیل می سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند [۱۲].

از سطح فرد (خانواده) تا سطح کلان (جامعه) و حتی ساخت هایی فراتر از آن (جهانی)، اعتماد اجتماعی پدیده ای است که تسهیل کننده روابط اجتماعی است. اعتماد در واقع یک نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است و مبنی بر ارزیابی، از پدیده ای است که با آن مواجهیم. اعتماد دارای ابعاد مختلف است و باید آن را یک مقوله اجتماعی تلقی کرد که در جریان فرایند جامعه پذیری آموخته می شود [۱۳]. اعتماد در متن کنش های انسانی نمود پیدا می کند، بخصوص در آن دسته از کنش ها که جهت گیری معطوف به آینده دارد و آن نوعی رابطه کیفی است که به تعبیر کلمن تسهیل کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می رساند و برای حل مسائل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارد. به تعبیری، مفاهیم مربوط به اعتماد به طور بالقوه روابط اجتماعی را توصیف می نماید که در بردارنده تمایزاتفاقی بین حوزه های مربوط به فضای عمومی و شخصی است [۱۴].

طبق دیدگاه جانسون، اعتماد نهادی (اعتماد به دستگاه های اجرایی)، فرایند های شبکه اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می کند، چون اعتماد ساختار مهمی در مدل کنش متقابل است. به نظر وی، برای ایجاد ارتباط اجتماعی شخص باید بتواند فضایی آکنه از اعتماد را ایجاد کند که در نتیجه، ترس های خود و دیگری را از طرد شدن کاهش داده و امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقا بخشد. طبق دیدگاه وی، اعتماد، یک خصیصه شخصیتی ثابت و تغییر نا پذیر نیست؛ بلکه اعتماد اجتماعی، جنبه ای از روابط اجتماعی است که مدام در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آنها افزایش یا کاهش می دهد. همچنین، اعمال اجتماعی آن ها در ایجاد و حفظ اعتماد، در روابط دو سویه و کنش های هر طرف از اهمیت زیادی برخوردار است [۱۵].

هاردین معتقد است که ارتقای امنیت انسانی، هنجار ها و قوانینی را شامل می شود که در مجموع حول یک محور اصلی؛ یعنی سرمایه های اجتماعی، گرد آمده اند و این عامل ضامن اصلی در فرایند یک نظام ارتباطی است که در آن، اعتماد اجتماعی (اعتماد نهادی) به صورت واقعی وجود دارد و نبود و فرسایش سرمایه اجتماعی باعث از بین رفتن این شبکه روابط اجتماعی و در نتیجه، به وجود آمدن عدم احساس اعتماد اجتماعی می شود که از نتایج آن، کاهش همبستگی، وفاق، تعهد اجتماعی، افزایش آنومی و آسیب های اجتماعی بسیار بغرنج است که عواقب حاصل از آن، جبران نا پذیر خواهد بود [۱۶].

در نتیجه، با تقویت اعتماد اجتماعی به عنوان مهم ترین سازه سرمایه اجتماعی می توان مدیریت اجتماعی کارآمدی بر نقاط مرزی شرقی کشور حاکم کرد و از این طریق می توان امنیت انسانی را در این مناطق ارتقاء داد و در نتیجه جلوی بسیاری از آسیب های و انحرافات در نقاط مرزی جامعه گرفته شود.

۳. بحث و نتیجه گیری

در بین عوامل مؤثر در تولید، کار کردن از جایگاه ممتازی برخوردار است؛ زیرا با انجام کار و استفاده از نیروی انسانی، سایر عوامل و منابع مورد بهره برداری قرار می گیرند. حتی فناوری های پیشرفته که امروزه تا حد زیادی جانشین نیروی انسانی شده اند، محصول کار و ابتکار انسان است. کار برای امر معاش و تلاش در راه تولید برای تأمین نیاز خود و دیگر افراد جامعه از دیدگاه اسلام وظیفه ای است که موجب محبوبیت شخص در پیشگاه الهی و تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت هر مسلمان می گردد. کار و تلاش سیره عملی رسول گرامی اسلام و امامان معصوم بوده و همه انبیا و صالحان چنین راه و رسمی داشته اند. امروزه پویایی جامعه به تنهایی منوط به جدید کردن تکنولوژی، تغییر ساختار ها و اضافه نمودن سرمایه اقتصادی نیست؛ اگر چه این عوامل هم به جای خود مهم هستند، ولی آنچه در سرپا نگه داشتن و تعالی جامعه نقش محوری داشته و حرف اول را می زند، روابط انسانی و سرمایه اجتماعی قوی است، انسان اجتماعی باید در ابعاد مختلف توسعه یافته باشد [۱۷].

طبق نظریات کنترل، انحراف زمانی به وجود می آید که کنترل های اجتماعی تضعیف شده و شکسته می شوند؛ زمانی که کنترل قوی است، انحراف روی نمی دهد. تئوری های کنترل مدعی اند که همه مردم پتانسیل کجروی را دارند، مگر اینکه دیگران آن ها را در جهت ترک آن هدایت کنند. از این رو در جامعه ای که سرمایه اجتماعی قوی بین افراد حاکم باشد، در نتیجه اعتماد اجتماعی نیز برقرار بوده و انحراف اجتماعی جایگاهی نخواهد داشت و در نهایت با فراهم شدن امنیت انسانی، بسیاری از آسیب های اجتماعی کنترل شده و مدیریت اجتماعی کارآمدی در جامعه حاکم خواهد شد [۱۸].

امروزه مسئله امنیت انسانی اساس توسعه هر کشوری را رقم می زند. این مورد می تواند در ابعاد مختلف داخلی، خارجی و شهری بررسی شود. یکی از این ابعاد مرز های سیاسی هر کشور است که در راستای حفظ تمامیت ارضی کشور نقش کلیدی را بازی می کند. در برقراری امنیت انسانی منطق مرزی در کنار مباحث نظامی گری، روش های مدرن نرم افزاری کاربرد فراوانی دارد. یکی از روش های نرم افزاری بالا بردن میزان رضایت و تمایلات مرزنشینان می باشد. افزایش سرمایه اجتماعی می تواند هزینه های جاری را در راستای تأمین امنیت مناطق مرزی را کاهش داده و پایداری آن را تضمین نماید. توجه به کانون های سکونت گاهی در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی از طریق برقراری حس مشارکت پذیری، موجب کاهش شکاف عملکردی بین مناطق مرزی و سرزمین مادر شده و روند توسعه ملی کشور را شتاب می بخشد. بنابر این توجه به مناطق مرزی به دلیل مجاورت با مرز های خارجی موجب تقویت یکپارچگی ملی و ارتقای هویت فرهنگی و اجتماعی می گردد.

۴. پیشنهادات کاربردی

- با توجه به تحلیل های کتابخانه ای موجود در این زمینه، پیشنهاد کاربردی این نوشتار برای ارتقای امنیت انسانی در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی، توسعه همه جانبه سرمایه اجتماعی و فراهم کردن زمینه های لازم برای اجرایی شدن آن است.

- با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد اجتماعی در قانون برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی و مدیریت اجتماعی کشور، به مدیران و مسئولان فرهنگی ذیربط توصیه می شود با بکارگیری روش های نرم افزاری مطرح شده در این پژوهش، اقدامات لازم را جهت ارتقای امنیت انسانی مناطق مرزی خراسان جنوبی در دستور کار خود قرار دهند.

- با توجه به نتایج حاصل از پژوهش برای ارتقای امنیت انسانی در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی، پیشنهاد می شود به مرز های استان در ابعاد مختلف اجتماعی توجه لازم صورت گیرد؛ چرا که توسعه و امنیت دارای ارتباطات متقابل بوده و ملازم و مکمل یکدیگر هستند.

- با توجه به چرخش ساختار اجتماعی و تغییرات همه جانبه در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن، و مخاطرات ناشی از این تغییرات، به مسئولان و مدیران مربوط پیشنهاد می شود این تغییرات را با دقت مورد توجه قرار داده و در این باره حساسیت لازم را داشته باشند.

- نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع اهمیت بسزایی دارد؛ لذا به مسئولان مربوطه پیشنهاد می شود اقدامات لازم را در دستور کار خود قرار دهند.
- با توجه به تحلیل های کتابخانه ای موجود در این زمینه به نظر می رسد که با فعال سازی نهاد های دست اندرکار، به عنوان مثال نهاد های فرهنگی و اجتماعی در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی، به میزان زیادی می توان در جهت ارتقای امنیت انسانی تلاش کرد.

۵. منابع

- [۱] قالیباف، محمدباقر؛ یاری شگفتی، اسلام؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی (۱۳۸۷). تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرز ها. ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، ۵۰-۲۵.
- [۲] میرحیدر، دره (۱۳۷۵). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: سمت.
- [۳] نقدی، اسدالله؛ محمدپور، احمد و سوری، علی (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و نقش آن در فعالیت های اقتصادی با نگاهی به استان همدان. جامعه شناسی کاربردی، شماره چهلیم، ۱۹۴-۱۷۷.
- [۴] نصر اصفهانی، علی و دیگران (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان های خدماتی استان اصفهان (با رویکرد آموزه های مدیریت در آثار سعدی). جامعه شناسی کاربردی، شماره چهل و یکم، ۱۳۴-۱۰۷.
- [۵] کتابی، محمود؛ ادیبی سده، مهدی؛ قاسمی، وحید و صادقی، ستار (۱۳۹۰). سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان های چهار محال و بختیاری، جامعه شناسی کاربردی، شماره چهلیم، ۱۲۲-۹۷.
- [۶] Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (۱۹۹۸). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. Academy of Management Review, ۲۳, ۲۴۲-۲۶۶.
- [۷] پاتنام، رابرت (۱۹۹۵). دموکراسی و سنت های مدنی. ترجمه: محمد دلفروز. تهران: رشد.
- [۸] عبدالهی، محمد و موسوی، امیرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار. رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و پنجم، ۱۲-۹.
- [۹] Krishna, A & Shrader, E. (۱۹۹۹). Social capital assessment tool. Conference on social Capital and Poverty Reduction, ۱۴۲-۱۴۹.
- [۱۰] زتومکا، گیوتر (۱۹۹۸). اعتماد یک نظریه جامعه شناختی. ترجمه: فاطمه گلایی. تبریز: ستوده.
- [۱۱] فوکومایا، فرانسیس (۱۹۹۷). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه: غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- [۱۲] Putnam, R. (۱۹۹۳). Making Democracy Work civic Traditions in Modern Italy. Princeton: Princeton University Press.
- [۱۳] عباس زاده، محمد (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان. رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۲۶۷-۲۹۱.
- [۱۴] ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، ۳۱-۳.
- [۱۵] Johnston, L. D. & Bachman, J. G. (۱۹۹۳). Monitoring The Future Questionnaire Responses From The Nations High School Seniors ۱۹۹۱. MI: Institute for social research.
- [۱۶] Hardian, R. (۱۹۹۷). Trust Worthiness. Ethics, ۲۶-۴۲.
- [۱۷] لیاقتدار، محمدجواد؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی و دیگران (۱۳۹۰). بررسی میزان تأثیر و نقش عوامل مؤثر بر وجدان کاری. جامعه شناسی کاربردی، شماره چهل و یکم، ۴۰-۲۷.
- [۱۸] Reid, S. T. (۲۰۰۰). Crime and Criminology, McGraw-Hill Higher Education. A Division of McGraw-Hill Companies, ۱۶۲.